

مأموریت‌های رسالت معلمی

مکرر گفته شده است: «معلمی رسالت است»، اما کمتر گفته شده است که مأموریت‌های این رسالت چیست. لازمه کسب توانمندی‌های لازم برای انجام درست کار رسالت در نظام تعلیم و تربیت، اشراف کامل به مأموریت‌های مورد نظر این رسالت خاص، براساس معیارها و ارزش‌های هدف‌گایی است. بدون تردید اجرای درست مأموریت‌ها، اگر چه به توانمندی‌های دانشی، بینشی، نگرشی، ارزشی و اخلاقی مجریان امور آموزشی نیازمند است، اما در درجه اول شناخت نوع، چیستی، چرایی و چگونگی ضرورت‌های کسب دانش، بینش، نگرش و رعایت اخلاق و ارزش یعنی فلسفه کار معلمی که مأموریت اصلی و اساسی معلمان است، کاری اولی‌تر به‌شمار می‌آید.

همان‌طور که کم‌توانی در حوزه‌های دانشی، بینشی و مهارتی، سدّ راه پیشرفت و توسعه امر یاددهی - یادگیری است. کم‌اطلاعی از چارچوب‌های مأموریتی در انجام رسالت کار معلمی نیز کار هدایت‌فرایند یاددهی - یادگیری را خدشه‌دار می‌کند. مهم‌ترین مأموریت مدیران و معلمان شناخت فلسفه تربیت و تحلیل دقیق و عمیق آن در هر مرحله از اجرای هر نوع برنامه درسی است. معلمان برای یافتن، بیان کردن و توضیح دادن چیستی، چرایی و چگونگی آموختن موضوعات درسی مأموریت یافته‌اند و نسبت به تشریح فلسفه آموختن هر ماده یا موضوع درسی، فایده‌ها و ضرورت‌های یادگیری آن، چرایی یادگیری و اثرات مترتب بر نتایج تلاش‌های یادگیری وظیفه‌مند شده‌اند. انجام این وظایف به اجرای درست مأموریت معلمی منجر خواهد شد و فقط همین اجرای شایسته مأموریت است که رسالت معلمی را تضمین و مقام معلم را در بالاترین سطح ارزشی حفظ می‌کند. برای شناخت اولین مأموریت رسالت معلمی باید بر «فلسفه تربیت» احاطه پیدا کنیم و با تسلط کامل نسبت به چیستی، چرایی و چگونگی امر تربیت در دو بعد کلی و جزئی، برای مدیریت یاددهی خود و یادگیری دانش‌آموزان برنامه‌ریزی کنیم. تعریف ساده فلسفه عبارت است از: «دانش قانون‌های حاکم بر هستی، یعنی طبیعت و جامعه، و فرایند آگاهی از چیستی، چرایی و چگونگی پدیده‌ها». فلسفیدن یعنی «بحث کردن درباره نمودهای هستی یک عمل یا یک پدیده یا یک رویداد» و فلسفه‌یابی یعنی «استدلال کردن برای وجود هر چیز» (فرهنگ فارسی امروز، ۱۳۷۵).

فلسفه تربیت در اسناد تحولی نظام آموزش و پرورش بیان‌کننده چیستی، چرایی و چگونگی امر تربیت در نظام یاددهی - یادگیری است. در این اسناد آمده است: «تربیت کوششی است هدفمند برای تحول و حرکت آدمی از وضع موجود به وضع مطلوب» (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۱۱۷). مأموریت اساسی هر معلم این است که در گام اول، هدف‌های غایی، میانی، موضوعی و تخصصی را خود به‌خوبی بشناسد. در گامی دیگر، از ویژگی‌های موجود مخاطب خود یعنی دانش‌آموز کلاس درسش آگاهی‌های لازم را به‌دست آورد و با برنامه‌ریزی برای هدایت او در مسیر پیشرفت از وضع موجود به وضع مطلوب، فرایند یادگیری دانش‌آموز را به شایستگی مدیریت کند. در فرایند این مدیریت است که دانش‌آموز نیز یاد می‌گیرد از فلسفه آموختن خویش به خوبی آگاهی پیدا کند.

یکی از مأموریت‌های کار «تربیت»، فراهم کردن زمینه مناسب برای درک موقعیت توسط هر فرد دانش‌آموز است، به‌نحوی که هر دانش‌آموز بتواند در هر برهه از یادگیری و در هر مرحله از تلاش مرتبط با یادگیری هر موضوع، ارتباط آن موضوع یا مسئله با خود، خدای خود (هر نوع یادگیری در جهت و با هدف نزدیکی به خدا)، با طبیعت و با انسان‌های دیگر را در نظر بگیرد و با توجه به فلسفه آموختن هر چیز در فرایندی آگاهانه به یادگیری بپردازد. روشن است که چنین یادگیری به‌طور حتم نتیجه‌بخش خواهد بود و دانش‌آموز را در گام‌های رو به جلو هدایت خواهد کرد. وسیله انجام چنین مأموریتی از جانب معلم، بهره‌گیری از قوه تعقل و اندیشه‌ورزی، چه در مورد خود و چه در مورد دانش‌آموزان خود، است. به عبارت دیگر، هر معلم برای انجام شایسته مأموریت تربیتی خویش باید ابتدا از قوه تعقل و خرد خود بهره بگیرد و نسبت به زوایای متعدد و متنوع انجام کار معلمی اشراف لازم را به‌دست آورد و در این قضیه ارتباط کار خود با خشنودی خدا، تکریم دانش‌آموز، رضایت فردی و درونی از انجام کار معلمی و حفظ و ارتقای

محیط زیست و طبیعت و محیط اجتماعی - سیاسی را درک و

رعایت کند و برای انجام تمام و کمال همین موارد مهم از جانب دانش آموزان، در چگونگی انجام کار به آن‌ها کمک کند. بدون تردید، انجام گرفتن چنین تلاش‌هایی است که زمینه‌های ایجاد باور و ایمان و شناخت ارزش‌ها و معیارهای فضیلتی در همه ابعاد دینی، علمی، تجربی و... را به خوبی فراهم می‌کند و دانش آموزان را به کسب اخلاق و ارزش‌های نیکوی انسانی مورد نظر نظام ترغیب می‌کند و آن‌ها را در مسیر اعمال آموخته‌ها و بهره‌گیری از آن‌ها در زندگی و در عمل به حرکت در می‌آورد.

به یاد داشته باشیم، مهم‌ترین مأموریت ما در رسالت کار معلمی تفهیم این قضیه است که یادگیری کوششی مداوم برای تغییر، اصلاح و پیشرفت است. منظور از تغییر، اصلاح و پیشرفت در جهتی مفید به حال خود، به حال اجتماع، با رعایت حفظ و ارتقای محیط طبیعی، میراث فرهنگی، تمدنی و هنری و در همه حال جهت کسب رضای خدا و نزدیک شدن به اوست و این مأموریت چیزی نیست جز هدایت دانش آموز در مسیر طی مرتبه‌ای از مراتب حیات طیبه که هدف غایی تعلیم و تربیت ماست. مؤلفه‌های لازم برای چنان تربیتی یا به عبارت دیگر برای انجام آن مأموریت، عبارت‌اند از:

● تعقل و بهره‌گیری از خرد و اندیشه‌ورزی در هر مرحله از فرایند یاددهی و یادگیری؛
توجه داشته باشیم، عقل هم قوه جذب دارد و هم قوه دفع. منظور از تعقل در اینجا جذب عاقلانه ارزش‌های خوب و دفع عاقلانه ارزش‌های ناپسند از نظر اسلامی است.

● معرفت و کسب علم، دانش و آگاهی عمیق، مستند و متکی بر تجارب دانش بشری؛

● انگیزه و رغبت به یادگیری و درک نتایج اثربخش مترتب بر یادگیری شایسته و بهینه؛

● ایمان و باور نسبت به ضرورت امر یادگیری شایسته در هر موضوع، هر سطح و هر برهه از زمان و آگاهی از نتایج ارزشی مترتب بر آن؛

● تقوا و کسب فضائل اخلاقی برای کمک به ارضای درونی و فردی، هویت‌یابی و شخصیت‌پروری و متصف شدن به ارزش‌های لازم برای کسب پیشرفت‌های فردی و جمعی؛

● عمل صالح و انجام کارهای شایسته و اثربخش، به‌موقع و با هدف کسب رضای الهی، هویت‌یابی، زیبایی‌شناختی، هنرپروری، شخصیت‌جویی، ارتقای غرور انسانی و کارآفرینی، همراه با متانت، صداقت، عدالت، انصاف و تقویت روحیه قناعت، کمک، مشارکت، همدلی و صلح‌جویی با دوری از اسراف، برتری‌جویی، خودخواهی و خودپسندی.

معلمان گرمایی با شناخت دقیق این مؤلفه‌ها و رعایت آن‌ها در مراحل متفاوت اجرای مأموریت بزرگ خویش به بهترین وجه ممکن از عهده رسالت تربیتی خویش و تربیت شایسته فرد در دانش آموزان زیر نظر خود برمی‌آیند و مقدمات ارتقای جامعه‌ای درخور نظام اسلامی - ایرانی را به خوبی فراهم می‌کنند.

به یاد بسپاریم که:

مدیران مدارس و معلمان کلاس‌های درس:

● متولی فرایند تعلیم و تربیت دانش آموزان در همه ساحت‌ها براساس نظام معیار اسلامی - ایرانی‌اند؛

● تأمین‌کننده همه شایستگی‌های پایه برای طی مراتبی از حیات پاک و منزه‌اند؛

● قوام‌بخش فرهنگ عمومی‌اند؛

● نظام‌بخش و تعالی‌بخش جامعه اسلامی‌اند.

در جمع‌بندی می‌توان گفت: زیربنای حرفه معلمی و انجام شایسته مأموریت مرتبط با آن، کسب «بیینش تربیتی» است. معلمان برای انجام مأموریت خویش به‌نحوی شایسته باید در چهار حوزه از توانمندی‌های لازم برخوردار باشند:

۱. حوزه تربیتی (چگونگی، چرایی و چپستی امر تعلیم و تربیت)

۲. حوزه محتوایی (رشته، موضوع و عنوان تخصصی مورد آموزش)

۳. سواد فناوری (بهره‌گیری از نرم‌افزار، سخت‌افزار فناورانه و فناوری آموزشی برای طراحی‌های آموزشی)

۴. قابلیت‌های اجرایی (فوت‌وفن‌ها، راهبردها و راهکارهای بهینه عمل).